



The role of private military and security companies in Iraq crisis (2003-2011)

Morteza Nourmohammadi¹ | Zahra Sadeghi Khoorjestaan² | Seyed Yahya Safavi³

Abstract

After the occupation of Iraq by the United States of America in 2003, the crisis entered a fragile phase and despite the fact that it was thought to be decreasing, it continued and became more complicated. In this crisis, well-known private military and security companies such as Blackwater, Triple Canopy, and Dyncorp, by providing defense services in the fields of reconstruction, logistics, intelligence, security and maintenance, and training and consulting, became important actors whose role seems vague and ambiguous. In this article, we are trying to answer the question, what is the role of private military and security companies in Iraq crisis? This article examines the research hypothesis using the descriptive analytical method and using library and internet documents. The results of the research indicate that "the military and security companies have caused the escalation and continuation of the crisis by increasing the intervention of the United States of America in the fragile phase after the occupation of Iraq and facilitating the influence of this country in the reforms of the security sector. In fact, by influencing the amount and type of American intervention in the Iraq crisis, these activists have caused an increase in the level of violence, the inconsistency of the crisis, the increase in the number of crisis actors and the complexity of the issues of the Iraq crisis, which indicates the increase in the severity of this crisis.

Keywords: private military and security companies; Iraq; United States of America; crisis.

1. Corresponding author: Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
politic110@gmail.com
2. Doctoral student, International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
3. Professor, Department of Political Geography, Imam Hossein University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.4.3





نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در بحران عراق (۲۰۱۱-۲۰۰۳)

مرتضی نورمحمدی^۱ | زهرا صادقی خورجستان^۲ | سیدیحیی صفوی^۳

۶۴

سال هفدهم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۱۱۴-۸۷

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



چکیده

پس از اشغال عراق توسط ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳، بحران وارد مرحله شکننده‌ای شد و علی‌رغم اینکه تصور می‌شد به سمت کاهش پیش رود، به‌شکل دیگری استمرار داشته و پیچیده‌تر شد. در این بحران شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی شناخته‌شده‌ای همچون بلک‌واتر، تراپیل کنوپی و داین کورپ با ارائه خدمات پدافندی در حوزه‌های بازسازی، پشتیبانی، اطلاعات، حفاظتی و آموزش و مشاوره، به کنشگران مهمی تبدیل شدند که نقش آنها گنگ و مبهم به‌نظر می‌رسد. در این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش هستیم که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی چه نقشی در بحران عراق داشته‌اند؟ این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته است. نتایج برآمده از پژوهش بیانگر آن است که شرکت‌های نظامی و امنیتی با افزایش مداخله ایالات متحده آمریکا در مرحله شکننده پس از اشغال عراق و تسهیل نفوذ این کشور در اصلاحات بخش امنیتی، موجب تشدید و استمرار بحران شده‌اند. درواقع، این کنشگران با تأثیر بر میزان و نوع مداخله آمریکا در بحران عراق، موجب افزایش میزان خشونت، عدم تجانس بحران، افزایش تعداد کنشگران بحران و پیچیدگی مسائل و موضوعات بحران عراق شده‌اند که نشانگر افزایش شدت این بحران است.

کلیدواژه‌ها: شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی؛ عراق؛ ایالات متحده آمریکا؛ بحران

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
politic110@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استاد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.64.4.3



نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

عراق کشوری است که محصول خواست و اراده قدرت‌های بزرگ در دوره جنگ جهانی اول و پس از آن بوده است. مرزهای این کشور زاینده تاریخ معاصر آن بوده و عمدتاً تحمیلی و در نتیجه تصمیمات قدرت‌های بزرگ و پیروزی و شکست‌های آنها ایجاد شده‌اند. به همین دلیل در مرزبندی و تقسیم جغرافیایی آن کمتر به مسائل قومی، مذهبی و فرهنگی توجه شده است و به نظر می‌رسد، قدرت‌های بزرگ خواهان ایجاد منشأ بحران و منازعه در این کشور بوده‌اند (مرادی و حیدری، ۱۴۰۱: ۳۷)؛ به طوری که، تاریخ کشور عراق به اندازه ذخایر نفت آن، مملو از درگیری، تهاجم و شورش است. به خصوص، در چهار دهه گذشته، این کشور شاهد جنگ‌های بسیاری، چه تدافعی و چه تهاجمی بوده است (محبوب، ۲۰۱۷: ۳۶) که در این بین، حمله ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳، مهم‌ترین و شدیدترین بحران این کشور به‌شمار می‌آید.

این بحران که با استناد ایالات متحده آمریکا به الگوی جنگ پیش‌دستانه در سال ۲۰۰۳ به وقوع پیوست؛ تحت تأثیر عواملی همچون، شکست عراق در نبرد با ائتلاف جهانی به رهبری آمریکا برای آزادسازی کویت، تحریم‌های بسیار سخت بین‌المللی و تضعیف تمامی مؤلفه‌های قدرت ملی عراق پس از یک دهه، ادامه رفتارهای غیرمنطقی رژیم صدام در دادن بهانه‌های لازم به آمریکا، روی کار آمدن سیاستمداران حامی جنگ در قالب دولت نومحافظه کار بوش، و حادثه ۱۱ سپتامبر و بسیاری مسائل دیگر و با حمله آمریکا آغاز شد و آمریکا توانست ظرف مدت ۲۱ روز، خاک عراق را به اشغال خود درآورد (مرادیان و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). با وجود اینکه حمله آمریکا به عراق و سقوط سریع صدام حسین با وجود تلفات محدود، در ابتدا شکل‌گیری نظام سیاسی باثبات و دموکراتیکی را در عراق نوید می‌داد؛ اما اشغال عراق پایان مأموریت ایالات متحده آمریکا در عراق نبود. پس از اشغال عراق طولی نکشید که عراق در فضای پیچیده‌ای از منازعات خشونت‌آمیز قومی - مذهبی داخلی، دخالت کنشگران منطقه‌ای و جاه‌طلبی‌های قدرت‌های بزرگ فرو رفت (نیاکوئی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). در این شرایط که آمریکا با مشکلات و چالش‌های امنیتی متعدد بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی مواجه گردیده بود، برای مدیریت فضای

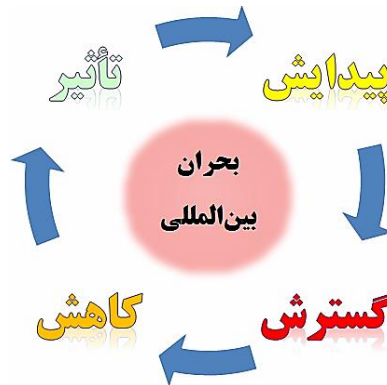
ملتهب عراق پس از جنگ، از شیوه‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده کرد و کنشگران مختلفی در کنار آمریکا به فعالیت مشغول شدند. یکی از بحث‌برانگیزترین این کنشگران، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی بودند که اغلب به ارتش و نیروهای دولتی ایالات متحده آمریکا و متحدانش خدمات ارائه می‌دادند. آمارهای موجود در این زمینه نیز به‌خوبی گویای حضور و فعالیت چشمگیر این کنشگران در بحران عراق است؛ به‌طوری‌که، شمار پیمانکاران نظامی و امنیتی که در عراق حضور داشتند، به‌طور قابل توجهی در یک بازه زمانی دو ساله از ۲۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۴ به ۱۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. طبق اعلام وزارت کشور عراق نیز، در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۲۹ شرکت در این کشور ثبت شده بود که البته همه آن‌ها فعال نبوده‌اند (متوی ۱، ۲۰۱۵: ۳۷).

این کنشگران با ارائه خدمات مختلف امنیتی و نظامی به دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و اشخاص در مراحل و شرایط مختلف بحران‌های بین‌المللی به کنشگرانی تأثیرگذار تبدیل شده‌اند؛ اما با این وجود، نقش آنها در بحران عراق، مبهم و نامفهوم به‌نظر می‌رسد. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی چه نقشی در بحران عراق داشته‌اند؟ فرضیه پژوهش این است که شرکت‌های نظامی و امنیتی با افزایش مداخله ایالات متحده آمریکا در مرحله شکننده پس از اشغال عراق و تسهیل نفوذ این کشور در اصلاحات بخش امنیتی، موجب تشدید و استمرار بحران شده‌اند. این کنشگران با تأثیر بر میزان و نوع مداخله آمریکا در بحران عراق، موجب افزایش میزان خشونت، عدم تجانس بحران، افزایش تعداد کنشگران بحران و پیچیدگی مسائل و موضوعات بحران عراق شده‌اند که نشانگر افزایش شدت بحران است.

مبانی نظری

با بررسی مکاتب نظری و نظریات صاحب‌نظران در حوزه بحران، به‌نظر می‌رسد نظریه بحران و مدل جامع بحران برچر، از جامعیت بالایی برای تحلیل بحران‌های بین‌المللی برخوردار است. برچر مانند دیگر رئالیست‌ها در تحقیقاتش طرفدار حفظ وضع موجود است و هر حرکتی را که به‌نوعی در نظام بین‌الملل تغییر ایجاد کند بحران می‌داند (میرکوشش و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۴). او برای پاسخ

به نارسایی‌های مفهومی موجود در زمینه بحران، تعریفی جدید از بحران ارائه کرده و مدل جامعی از بحران ترسیم می‌کند. این مدل به‌طور کلی توضیح جامعی از بحران‌ها از مرحله آغاز تا پایان و نحوه برخورد کنشگران را در هر مرحله با توجهی عمیق به بحران ارائه می‌دهد (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۵). در واقع، تئوری بحران برچر بر مبنای مفهوم چهار حوزة و مرحله پیدایش^۱، گسترش^۲، کاهش^۳ و تأثیر^۴ بحران است. این چهار مرحله در یکدیگر ادغام می‌شوند و توالی آنها چرخه‌ای را نشان می‌دهد که مشخصه اکثر بحران‌ها است.



شکل ۱. چرخه بحران

یکی از نقاط قوت نظریه برچر، واکاوی و برشمردن شاخص‌های شدت بحران است که در مرحله تأثیر بحران به آن اشاره می‌شود. وی ۶ مؤلفه را برای علل تشدید بحران‌های بین‌المللی ذکر می‌کند: اولین شاخص، تعداد بازیگران بحران است. هر چه تعداد بازیگران بیشتر باشد، اختلافات بیشتر خواهد بود و احتمال حضور و درگیری ابرقدرت یا قدرت بزرگ را در بحران بیشتر می‌کند. شاخص دوم، برجستگی ژئواستراتژیک بر اساس منابع طبیعی یا دوری و نزدیکی به مراکز قدرت است. هر چه برجستگی ژئواستراتژیک بیشتر باشد احتمال تشدید بحران بین‌المللی بیشتر خواهد بود. شاخص سوم، میزان عدم تجانس بین بازیگران بحران است که بر اساس میزان و تعداد تفاوت‌ها و اختلافات در توانایی نظامی، رژیم سیاسی، توسعه اقتصادی و اختلافات فرهنگی

1. Onset
2. Escalation
3. Descalation
4. Impact

اندازه‌گیری می‌شود. هرچه میزان عدم تجانس بین بازیگران بحران بیشتر باشد، بحران تشدید خواهد شد. شاخص چهارم، میزان و نوع مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران بین‌المللی است؛ هرچه میزان درگیری قدرت‌های بزرگ در یک بحران بین‌المللی بیشتر باشد، چالش بیشتری به ساختار سیستم وارد می‌شود و بحران بین‌المللی نیز تشدید می‌شود. پنجمین شاخص، مسائل مورد مناقشه در بحران است. هرچه تعداد مسائل (نظامی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی) در بحران بیشتر باشد، بحران شدیدتر خواهد بود و علاوه بر آن هر چه مسائل به دو حوزه موضوعی اول یعنی مسائل نظامی، امنیتی نزدیکتر باشد، احتمال تشدید بحران بیشتر خواهد بود. در نهایت، شدت یک بحران با میزان خشونت در آن اندازه‌گیری می‌شود که دامنه آن از جنگ تمام‌عیار و درگیری‌های جدی تا جنگ کوتاه و درگیری‌های جزئی و بدون خشونت متغیر است (برچر، ۲۰۱۷: ۴۱).

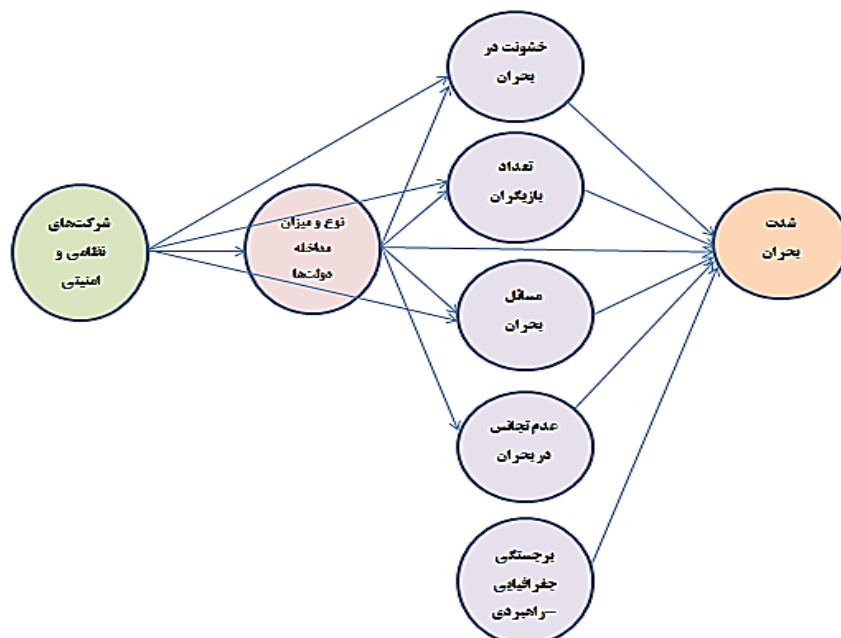
باتوجه به نگاه برچر از دریچه رئالیسم به مفهوم بحران، کنشگران غیردولتی جایی در نظریه وی ندارند. این درحالی است که امروزه کنشگران غیردولتی همچون شرکت‌های نظامی و امنیتی نقش مؤثری در بحران‌های بین‌المللی ایفا می‌کنند. بنابراین برای بررسی نقش این کنشگران نوظهور در بحران باید ارتباط آن با شاخص‌های مذکور مشخص گردد. در این راستا، باید دو نگاه متفاوت به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی را از یکدیگر تفکیک کرد. نگاه اول، نگاهی لیبرالیستی است که از این منظر، دولت تنها بازیگر حوزه امنیت نبوده و شرکت‌های نظامی و امنیتی کنشگرانی بازارمحور، مستقل از دولت و تأثیرگذار هستند که صلاحیت و توانایی تصمیم‌گیری در زمینه استراتژی دفاعی و نظامی و تأثیرگذاری بر بحران را دارند (تیورزی، ۲۰۱۸: ۱۶-۱۵). در مقابل این دیدگاه، دیدگاه رئالیستی وجود دارد که دولت را کنشگر اصلی نظام بین‌الملل عنوان می‌کند و شرکت‌های نظامی و امنیتی را کنشگرانی خرد در نظر می‌گیرد که ابزار کنشگران بزرگ‌تر یعنی دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ هستند؛ به‌طوری‌که توماس آدامز^۳ از معروف‌ترین محققان حوزه خصوصی‌سازی امنیت، شرکت‌های نظامی و امنیتی را «بال‌های مخفی دولت» می‌خواند (کریستینسن، ۲۰۱۰: ۱۹-۱۸). دیدگاه ابزاری به شرکت‌های نظامی و امنیتی را

1. Brecher
2. Turzi
3. Thomas Adams
4. Christiansen

دیدگاه "بازیگران خرد"^۱، نیز عنوان می‌کنند که نام آن برگرفته از "جنگ‌های کوچک و شورش‌ها"^۲ توماس آدامز است. پیروان این دیدگاه، شرکت‌های نظامی و امنیتی را صرفاً به‌عنوان ابزاری برای استراتژی نظامی دولت می‌دانند و آنها نسبت به این تصور که استفاده از این بازیگران به‌خودی‌خود بر بحران‌ها تأثیرگذار هستند، بسیار محتاط هستند (استرونک و تر، ۳، ۲۰۱۳: ۲۰). پژوهش حاضر نیز با نگاهی رئالیستی به شرکت‌های نظامی و امنیتی، ضمن اذعان بر نقش این شرکت‌ها در بحران‌ها و تأثیر بر شدت آن، بر این عقیده قائل است که شرکت‌های نظامی و امنیتی به‌خودی‌خود، قابلیت تأثیرگذاری بر شدت بحران را ندارند؛ بلکه این کنشگران به‌عنوان بازیگران خرد و ابزار کنشگران بزرگ‌تر (دولت‌ها) با تأثیرگذاری بر شاخص‌های شدت بحران (بجز برجستگی جغرافیایی و راهبردی که شاخصی ثابت است)، ایفای نقش می‌کنند. در میان شاخص‌های شدت که تحت تأثیر فعالیت این کنشگران نوظهور هستند، میزان و نوع مداخله قدرت‌های بزرگ، نسبت به سایر مولفه‌ها، از اهمیت بیشتری برخوردار است. علاوه بر این که میزان و نوع مداخله دولت‌ها به‌عنوان تابعی از فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی بر شدت بحران تأثیر می‌گذارد، ارتباط علی این شاخص با دیگر شاخص‌ها نیز بر اهمیت آن افزوده است. برچر استدلال می‌کند که، در صورت فعال بودن قدرت‌های بزرگ در یک بحران، مداخله آنها احتمالاً دیگر کشورها را نیز به بحران خواهد کشاند. مداخله قدرت‌های بزرگ عدم تجانس را نیز به‌طور حتم افزایش می‌دهد. مشارکت قدرت‌های بزرگ در یک بحران احتمال تنوع کنشگران را افزایش می‌دهد. افزون بر این، با مداخله قدرت‌های بزرگ در یک بحران، مسائل و موضوعات بحران نیز گسترش می‌یابد و بالاخره با مداخله قدرت‌های بزرگ در یک بحران، انتظار می‌رود حداقل در یک سطح پایین، خشونت اتفاق بیفتد (برچر، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۳-۲۰).

مدل مفهومی زیر ارتباط شرکت‌های نظامی و امنیتی با شاخص‌های شدت بحران را نشان می‌دهد و بنیانی است که تحلیل پژوهش بر مبنای آن استوار شده است.

1. bit player
2. Small Wars & Insurgencies
3. Strongwater



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

ادبیات مربوط به شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی طیف وسیعی پژوهش‌ها را دربر می‌گیرد که هر کدام از منظر متفاوتی به این موضوع نگریسته‌اند. برخی از پژوهش‌ها به بررسی نقش این شرکت‌ها در امنیت جهانی پرداخته‌اند و برخی به بررسی این موضوع از ابعاد حقوقی اختصاص دارند. ارتباط این شرکت‌ها با استفاده از زور و خشونت مشروع نیز مورد پژوهش قرار گرفته‌اند. در بین پژوهش‌های صورت گرفته، مشارکت این کنشگران در عراق نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است. اغلب این پژوهش‌ها به بررسی اقدامات غیرقانونی شرکت‌ها در عراق و در برخی موارد، با مطالعه موردی شرکت بلک‌واتر^۱ انجام شده است. مواردی نیز نقش این شرکت‌ها در سیاست‌گذاری‌های آمریکا و حمله نظامی به عراق مورد ملاحظه قرار داده‌اند. جدول ذیل نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه موضوعی را نشان می‌دهد.

1. Blackwater

جدول ۱. دسته‌بندی پیشینه پژوهش

حوزه موضوعی	هدف و حوزه پژوهش	عنوان پژوهش	محقق/سال
شرکت‌ها و خصوصی سازی امنیت	خصوصی سازی امنیت جهانی و تاریخچه ظهور شرکت‌ها	Private Armed Forces and Global Security	Carlos Ortiz, 2010
	شرکت‌های نظامی و امنیتی و نقش آنها در تأمین امنیت	نقش و جایگاه شرکت‌های نظامی امنیتی خصوصی در امنیت	نورمحمدی و صادقی، ۱۳۹۳
فعالیت بلک‌واتر در عراق	بررسی نقش بلک‌واتر در عراق و اشاره به جنایات آن	BLACKWATER: The Rise of the World's Most Powerful Mercenary Army	Jeremy Scahill, ۲۰۰۸
	بررسی خشونت و استفاده از زور با مطالعه موردی بلک‌واتر در عراق	Wheeled Warriors: Explaining Blackwater's Unparalleled Record of Violence in Iraq	Scott Fitzsimmons, 2013
استفاده آمریکا از شرکت‌ها در عراق	بررسی ابعاد حقوقی استفاده آمریکا از شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق	The Intervention of the United States in Iraq and the presence of Private Military and Security Companies: The case of Blackwater	Marta Molino Jiménez,
	بررسی نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق پس از صدام	Private Military Security Companies – Missing Link In The New Iraqi Security Paradigm	Ecaterina, 2015 Matoi
	تأثیر استفاده وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا از شرکت‌های نظامی و امنیتی در عملیات‌های افغانستان و عراق	Outsourcing the Global War on Terrorism: Private Military Companies and American Intervention in Iraq and Afghanistan	George C. Lovewine, 2014

جدول ۱. دسته‌بندی پیشینه پژوهش

حوزه موضوعی	هدف و حوزه پژوهش	عنوان پژوهش	محقق/سال
بررسی شرکت‌ها از منظر حقوقی	استفاده از زور و ابعاد حقوقی آن و قانونی کردن فعالیت شرکت‌ها	Corporate Soldiers and International Security: The rise of Private Military Ccompanies	Christopher Kinsey, 2066
	بررسی جایگاه شرکت‌های نظامی و امنیتی از منظر حقوقی	حقوق بین‌الملل بشردوستانه و شرکت‌های خصوصی امنیتی و نظامی	یزدان نجات، ۱۳۹۳
	بررسی جایگاه شرکت‌های نظامی و امنیتی از منظر حقوق بشردوستانه	شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی و حقوق بشردوستانه: جایگاه و مسئولیت	رئیس و شهریاری، ۱۳۹۲

نوآوری پژوهش حاضر نسبت به ادبیات موجود این است که این پژوهش تلاش می‌کند با بررسی نقش شرکت‌ها در بحران عراق در چارچوب نظریه بحران برچر، ضمن اینکه تقسیم‌بندی جدیدی از نوع خدمات این کنشگران براساس فعالیت آنها در مراحل مختلف بحران ارائه دهد؛ چگونگی تأثیرگذاری این نیروها بر مولفه‌های شدت بحران را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

روش‌شناسی پژوهش

به لحاظ نوع پژوهش، این پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی، براساس نوع هدف، ترکیبی از نوع بنیادی و کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی بر مبنای نوع داده‌ها، کیفی است. روش گردآوری داده‌ها نیز، کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی است.

سؤال و فرضیه پژوهش

شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی چه نقشی در بحران عراق داشته‌اند؟ شرکت‌های نظامی و امنیتی با افزایش مداخله ایالات متحده آمریکا در مرحله شکننده پس از اشغال عراق و تسهیل نفوذ این کشور در اصلاحات بخش امنیتی، موجب تشدید و استمرار بحران شده‌اند. این کنشگران با تأثیر بر میزان و نوع مداخله آمریکا در بحران عراق، موجب افزایش میزان

خشونت، عدم تجانس بحران، افزایش تعداد کنشگران بحران و پیچیدگی مسائل و موضوعات بحران عراق شده‌اند که نشانگر افزایش شدت بحران است.

یافته‌های پژوهش

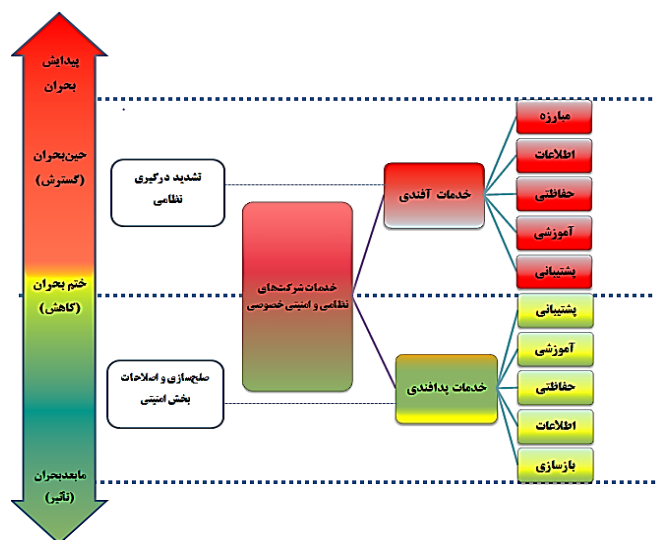
در بین شرکت‌های حاضر در عراق، سه شرکت بلک‌واتر، تراپیل کنوپی^۱ و داین کورپ^۲ بیشتر از سایر آنها شناخته شده‌تر هستند؛ به طوری که، همه قراردادهای شرکت‌ها برای عملیات آزادسازی عراق در نهایت تحت قرارداد دبلیوپی‌اس^۳ برعهده این سه شرکت قرار گرفتند. این قرارداد در ابتدا ۳۳۲ میلیون دلار برای هر یک از سه شرکت مذکور بود. سپس تا ژوئیه ۲۰۰۶ این مبلغ به ۴۸۸ میلیون دلار افزایش یافت و هزینه ۴۸۲ پرسنل مأموریت بلک‌واتر پرداخت شد. پس از آن، وزارت خارجه قرارداد "دبلیوپی‌اس ۴" را در می ۲۰۰۶ تمدید کرد و تعداد پرسنل مجاز را به ۱۰۲۰ نفر و ارزش قرارداد را به ۱٫۲ میلیارد دلار برای هر شرکت پیمانکاری افزایش داد (اسنوکال و گیلبرت، ۲۰۱۵: ۶۶۳؛ اوبرایان^۵، ۲۰۰۸: ۴۲). جدول ذیل تعداد پرسنل به کار گرفته شده تحت قرارداد دبلیوپی‌اس را تا سال ۲۰۰۸ نشان می‌دهد:

جدول ۲. تعداد پرسنل قرارداد دبلیوپی‌اس اس منبع: (السا^۶ و دیگران، ۲۰۰۸: ۹)

شرکت	پرسنل قرارداد دبلیوپی‌اس	پرسنل قرارداد دبلیوپی‌اس (شامل پرسنل پشتیبانی و پرسنل حفاظتی) ^۷	پرسنل قرارداد دبلیوپی‌اس در عراق (ملیت آمریکایی)
بلک‌واتر	۱۰۹۰	۹۶۸	۶۰۱
داین کورپ	۱۵۶	۱۵۳	۷۸
تراپیل کنوپی	۳۲۸	۲۷۹	۸۰
مجموع	۱۵۷۴	۱۴۰۰	۶۴۱

1. Triple Canopy
2. DynCorp
3. Worldwide Personal Protective Services (WPPS)
4. WPPS II
5. O'Brien
6. Elsea
7. Personal Protective Services (PSS)

اصلی ترین مسئله تأثیرگذار بر نقش شرکت های نظامی و امنیتی در بحران های بین المللی، نوع خدمات آنها است. خدمات شرکت ها در پژوهش های مختلف دارای تقسیم بندی های متفاوتی است. با توجه به اینکه شرایط و وضعیت هر مرحله از بحران، خدمات متناسب با آن را ایجاد می کند، در این مقاله دسته بندی جدیدی از خدمات شرکت ها ارائه می شود. بر این اساس، خدمات شرکت های نظامی و امنیتی در مرحله گسترش درگیری و مخاصمات مسلحانه از نوع آفندی و در ۵ حوزه مبارزه، آموزش و مشاوره، اطلاعات، پشتیبانی و حفاظتی می باشد و در مرحله پس از آن که با مفهوم صلح سازی همراه می باشد، این کنشگران در ۵ حوزه بازسازی، آموزش و مشاوره، اطلاعات، پشتیبانی و حفاظتی، به مشتریان خود خدمات پدافندی ارائه می دهند.



شکل ۳. نوع خدمات شرکت های نظامی و امنیتی در بحران

نوع خدمات شرکت های نظامی و امنیتی فعال در بحران عراق

خدمات آموزش و تجهیز

یکی از مهم ترین حوزه های فعالیت شرکت های نظامی و امنیتی در دوره بعد از اشغال عراق، حوزه آموزش و مشاوره بوده است که مشتری اصلی آن دولت آمریکا است. آمریکا از پیمانکاران دارای نیروهای آموزش پلیس در ماموریت ها استفاده می کند. شرکت داین کورپ،

شناخته شده‌ترین شرکت فعال در حوزه آموزش و مشاوره است که توسط آمریکا به کار گرفته شده است. تا سال ۲۰۱۰، این شرکت آمریکایی به تنهایی بیش از ۶۰۰۰ مشاور پلیس به برنامه‌های پلیس غیرنظامی ایالات متحده در ۱۱ کشور ارائه کرده است، اما بزرگ‌ترین فعالیت‌های آموزش پلیس داین کورپ در عراق بوده است (کراهمان و فریزندورف^۱، ۲۰۱۱: ۱۹). داین کورپ تحت قرارداد دلبیوی پی‌اس ۲ برای فعالیت در مناطق کردستان شمالی عراق و همچنین تحت قرارداد جداگانه‌ای با وزارت خارجه، برای ارائه آموزش پلیس عراق و پرسنل نظامی و آموزش و مشاوره برای سازمان‌دهی مجدد سیستم قضایی عراق استخدام شد و ایجاد نیروی جدید پلیس عراق را هدایت کرد (پالو-لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۴۵-۴۴؛ لیاندر^۲، ۲۰۰۵: ۸۱۳). آموزش‌های ارائه شده توسط این شرکت دور از میدان جنگ ارائه می‌شود و اغلب در قالب برنامه آموزش و تجهیز^۳ سازماندهی می‌شود. لازم به ذکر است، سازمان ملل متحد نیز یکی از مشتریان خدمات آموزش‌های امنیتی شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق بوده است (اوستسن^۴، ۲۰۱۱: ۱۵).

یکی دیگر از خدمات این شرکتها، در زمینه جمع‌آوری اطلاعات و توسعه تجزیه و تحلیل تهدید است (پالو-لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۴۶-۴۳). شرکت داین کورپ در این زمینه نیز از طریق ارائه خدماتی همچون ترجمه میدانی، زبان‌شناسی و آموزش و راه‌حل‌های اطلاعاتی در عراق فعالیت کرده است (لیاندر، ۲۰۰۵: ۸۱۳)؛ ولی فعالیت شرکت‌هایی همچون ای.دی.اس.ال (ایجیس^۵)، سی.آی.سی.ای^۶ و یو.اس.آی.اس^۷ در این حوزه بیشتر مورد توجه بوده است. شرکت ای.دی.اس.ال قراردادی برای هماهنگی حرکت نیروهای وزارت دفاع، وزارت امور خارجه و سایر شرکت‌های حاضر در عراق دارد. همچنین این شرکت اطلاعات مربوط به وضعیت امنیتی عراق را جمع‌آوری، تفسیر و منتشر می‌کند (السا و دیگران، ۲۰۰۸: ۹؛ اورتیز، ۲۰۱۰: ۴۶). شرکت یو.اس.آی.اس نیز برای کمک به دفتر امنیت منطقه‌ای در بغداد به منظور "تحقیق صحنه‌های حادثه" استخدام شد. مصاحبه با شاهدان، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شواهد؛ شهادت در مراحل قضایی و اداری؛ تجزیه و تحلیل حوادث برای انطباق با سیاست، قوانین و مقررات؛ نگهداری

1. Krahnmann and Friesendorf,
2. Leander
3. Train-and-Equip Program (TEP)
4. Østensen
5. Aegis Defense Services Limited
6. CICA (Competition in Contracting Act)
7. USIS

پرونده‌ها و پیگیری وضعیت تحقیقات؛ و ... ارائه سایر خدمات مرتبط با تحقیق» از وظایف این شرکت بوده است (پالو-لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۴۷-۴۶). سازمان ملل متحد نیز یکی از مشتریان مهم خدمات اطلاعاتی شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در بحران‌ها است. امروزه سازمان ملل متحد در موارد متعددی، از امکان خرید خدماتی همچون اطلاعات، ارتباطات ماهواره‌ای و تصویربرداری استفاده کرده است که قبلاً به دلیل حساسیت‌های ملی در بین کشورهای عضو فاقد این امکان بود (بیورس^۱، ۲۰۰۵: ۵۳۸). این سازمان در عراق از خدمات شرکت ایجیس که ارائه‌دهنده خدمات اطلاعاتی است، استفاده کرده است.

حمایت‌های لجستیکی و کمک‌های فنی و همچنین پشتیبانی‌های نظامی خدماتی هستند که در ذیل خدمات پشتیبانی قرار می‌گیرند که شرکت‌های فعال در عراق به ارائه این نوع از خدمات نیز مشغول بوده‌اند. در جنگ عراق این پیمانکاران عملیات پشتیبانی برای سیستم‌هایی چون تکنولوژی نیروی هوایی^۲ و پاترویت^۳ را ارائه داده‌اند (آوانت^۴، ۲۰۰۴: ۱۵۷). همچنین نیروی دریایی ایالات متحده برای کمک به عملیات سیستم‌های موشکی هدایت‌شونده در برخی از کشتی‌های خود به پیمانکاران غیرنظامی متکی بود. هنگامی که لشکر چهارم پیاده نظام با فناوری سنگین ارتش در سال ۲۰۰۳ در عراق مستقر شد، کارمندان قراردادی، لشکر را برای پشتیبانی از سیستم‌های فرماندهی و کنترل دیجیتال همراهی کردند. چراکه، این سیستم‌ها هنوز در حال توسعه بودند و ارتش پرسنل یونیفرم پوش آموزش دیده برای نگهداری از آنها نداشت. ارتش نیز برای حفظ هواپیماهای نظارتی خود کاملاً به پیمانکاران غیرنظامی وابسته است. علاوه بر این، پیمانکاران برای عملیات پایه و پشتیبانی لجستیک، تعمیر و نگهداری تجهیزات از پیش تعیین شده، تعمیر و نگهداری ژنراتور، سیستم‌های تشخیص بیولوژیکی و شیمیایی، حمل و نقل سوخت و مواد و خدمات پزشکی، وظایف پلیس نظامی مانند کنترل پست‌های بازرسی و بازداشت افراد و فعالیت‌های مرتبط با تسلیحات، مانند ارائه تخصص فنی برای اجرای سیستم‌های تسلیحاتی پیچیده مورد استفاده قرار گرفتند (ایزبرگ، ۲۰۰۶: ۷-۸؛ پالو-لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۴۶-۴۳).

1. Bures
2. JSTARS
3. Patriot
4. Avant

خدمات توسعه و اصلاحات

پربحث‌ترین و چالش‌برانگیزترین حوزه فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق، حفاظت است که در اغلب پژوهش‌ها، از این فعالیت‌ها با عنوان خدمات امنیتی نام برده می‌شود. خدمات حفاظتی خدمات مسلحانه‌ای هستند که نه تنها دولت‌ها، بلکه سایر کنشگران مانند بسیاری از رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و بشردوستانه حاضر در عراق، از این خدمات برای تامین امنیت امکانات و پرسنل خود استفاده کرده‌اند. اما در این حوزه نیز دو مشتری اصلی، وزارت دفاع و خارجه آمریکا و سازمان ملل متحد بوده‌اند (اوستنسن، ۲۰۱۱: ۱۵). برخی از نمونه‌های فعالیت شرکتها در این حوزه در عراق عبارت است از:

- امنیت استاتیک (حفاظت از مکان‌های ثابت یا ساکن، مانند مناطق مسکونی، مکان‌های کاری بازسازی، یا ساختمان‌های دولتی، پایگاه‌های آمریکایی در عراق)؛ همچون تأمین محافظان و نگهبانان ساختمان‌ها و سایر زیرساخت‌ها در بغداد و سایر مناطق توسط سه شرکت تراپیل کنویی، بلک‌واتر، داین کورپ تحت قرارداد دلبیوی پی‌اس ۲ در سال ۲۰۰۴ و قراردادی جداگانه با وزارت خارجه برای حفاظت سفارت آمریکا و منطقه سبز در بغداد (السا و دیگران، ۲۰۰۸: ۷) و تأمین امنیت مجتمع پایگاه ویکتوری در بغداد توسط شرکت ای.آ.دی تکنولوژی^۱.

- حفاظت شخصی یا اسکورت امنیتی برای افراد عالی‌رتبه؛ به‌عنوان مثال، محافظت شرکت ای.دی.اس.ال^۲ انگلیسی از دارلی ای اسکات^۳، مسئول قراردادهای نظامی در عراق؛ حفاظت شخصی پل برمر^۴ و سایر کارمندان ائتلاف موقت عراق و مقامات برجسته توسط بلک‌واتر در سال ۲۰۰۳ براساس قرارداد با وزارت دفاع.

- محافظت از نیروها؛ به‌عنوان مثال، قرارداد گروه مهندسان ارتش^۵ با شرکت‌های ای.دی.اس.ال و ارینیس برای حفاظت از نیروهای خود در سال ۲۰۰۷ به مبلغ ۴۷۵ میلیون دلار به‌عنوان بزرگ‌ترین قرارداد حفاظتی در عراق (پالو- لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۴۵-۴۴؛ کاتن^۶ و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۴-۱۳).

1. EOD Technologies
2. Aegis Defence Services, Ltd.
3. Major General Darryl A. Scott
4. Paul Bremer
5. The Army Corps of Engineers
6. Cotton

در حوزه خدمات بازسازی که گسترده‌ترین دامنه خدمات را در برمی‌گیرد، خدماتی همچون تدارکات، حمل و نقل، درمان پزشکی، بهداشت، تصفیه آب، تولید نیرو، تهیه غذا، عملیات بشردوستانه، حفاظت از پناهندگان، و یا هر خدمات نظامی دیگری که غیر از عملکرد اصلی جنگ است (فولون^۱، ۲۰۱۵: ۴۶). به‌عنوان مثال؛ منابع و گزارش‌های موجود بیانگر آن است که شرکت‌های خصوصی خدماتی مانند پاکسازی مین را در عراق انجام داده‌اند. همچنین شرکت داین کورپ خدماتی همچون زیرساخت‌های فنی و حرفه‌ای شامل مهندسی، ساخت و ساز و مدیریت تاسیسات، لجستیک و پشتیبانی اضطراری را ارائه داده است (پالو-لووردوس و آرمنداریز، ۲۰۱۱: ۱۳۷). در این میان، بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین پیمانکار بازسازی و پشتیبانی بعد از یازده سپتامبر، شرکت کلاگ براون اند روت ۲ است که تا سال ۲۰۰۷ قسمتی از شرکت هالیبرتون بود. قراردادهای هالیبرتون از فوریه ۲۰۰۲ تا فوریه ۲۰۰۶ که برای بازسازی زیرساخت‌های نفتی عراق و فراهم کردن پشتیبانی لجستیکی سربازان ایالات متحده در عراق منعقد شد، به بیش از ده برابر افزایش یافت (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۷).

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی بر شدت بحران عراق

براساس مدل مفهومی پژوهش، شرکت‌های نظامی و امنیتی با تأثیرگذاری بر ۵ شاخص از شاخص‌های شش‌گانه شدت بحران، ایفای نقش می‌کنند. در این میان، میزان و نوع مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران‌ها با توجه به ارتباط علی آن با سایر مولفه‌ها، اهمیتی دوچندان دارد که در ادامه مبحث تشریح می‌شود.

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر نوع و میزان مداخله آمریکا در بحران عراق

براساس مدارک و مستندات موجود در زمینه فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق، کنشگران مختلفی مشتری خدمات این شرکت‌ها می‌باشند؛ اما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مشتری آنها دولت آمریکا به‌ویژه وزارت دفاع و وزارت خارجه این کشور می‌باشد (فولون، ۲۰۱۵: ۴۰). در طول سه ماهه اول سال مالی ۲۰۲۰، سنتکام گزارش داد که حدود ۵۰۰۰۰ پرسنل قراردادی برای وزارت دفاع در حوزه مسئولیت آن، که شامل افغانستان، سوریه و عراق می‌شود، کار می‌کنند. ۲۶۵۴۵ پرسنل قراردادی در افغانستان و ۶۵۸۶ پرسنل قراردادی در عراق و سوریه گزارش شده

1. fulloon
2. KBR

است (سی آراس ریپورت^۱، ۲۰۲۰: ۲). براساس گزارش دیگری، تا سال ۲۰۰۸، در مجموع حدود ۶۰ شرکت نظامی و امنیتی در عراق برای دولت آمریکا کار کرده‌اند که حدود ۲۰ مورد از آن‌ها با بیش از ۱۰۰۰۰ کارمند به طور مستقیم برای وزارت دفاع و وزارت امور خارجه به ارائه خدمت مشغول بوده‌اند. اما در مقایسه با آمریکا، تنها سه شرکت گاردا ورلد/کرول^۲، آرمور گروپ^۳ و کنترل ریسک^۴، برای حمایت از پرسنل غیرنظامی طبق قراردادهایی با دولت انگلستان در عراق همکاری کرده‌اند (کاتن و دیگران، ۲۰۱۰: xi؛ برندتسون^۵، ۲۰۰۹: ۱۴۳-۱۴۲). در فهرست منتشر شده در سال ۲۰۰۴ توسط کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقاتی^۶ نیز اظهار شده است که وزارت دفاع آمریکا از ۲۴ شرکت نظامی امنیتی آمریکایی، با ۱۲ شرکت، ۳۰۶۱ قرارداد بسته است (کینزی، ۲۰۰۶: ۲).

آمارهای بیان شده بیانگر اتکای آمریکا به شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق است که این افزایش اتکا از دو دلیل نشأت گرفت. اولاً، دولت بوش با نادیده گرفتن توصیه‌های متخصصان نظامی خود، تصمیم گرفت تا با نیروهای بسیار کمتر از آنچه نیاز بود، به این کشور حمله کند. بنابراین شرکت‌هایی مانند هالیبرتون برای تکمیل الزامات لجستیکی نظامی برای حفظ نیروهای ایالات متحده و سایر نیروهای ائتلاف مورد نیاز بودند. دوم اینکه، به‌عنوان بخشی از طرح آمریکا برای دموکراسی‌سازی در خاورمیانه، قرار بود عراق به کشور جدیدی تبدیل شود که این امر مستلزم پروژه بازسازی عظیمی بود. از آنجایی که نیروهای ایالات متحده برای محافظت از کسانی که کار بازسازی را انجام می‌دادند در دسترس نبودند، چنین شرکت‌هایی چاره‌ای جز رجوع به پیمانکاران امنیتی خصوصی برای محافظت از کارمندان خود نداشتند (ایزبرگ، ۲۰۰۶: ۷-۵). بنابراین، نیروهای خصوصی با هدف حفظ و تأمین منافع مشتریان خود به خصوص مشتری اصلی خود یعنی آمریکا و کسب منافع اقتصادی و مالی در قبال خدمت به آنها وارد عراق شدند. حتی خدمات ارائه شده به سازمان ملل متحد و شرکت‌های چندملیتی بازسازی در عراق را نیز می‌توان در راستای اهداف آمریکا در عراق قلمداد کرد؛ چراکه، سازمان ملل نیز در چهارچوب

1. crsreports
 2. Garda World/Kroll
 3. ArmorGroup
 4. Control Risks
 5. Berndtsson
 6. International Consortium of Investigative Journalists

محدودیت‌های مستقیم و غیرمستقیمی که ابزارگرایی ایالات متحده تحمیل می‌کند، در مأموریت‌های خود به تقویت اهداف آمریکا می‌پردازد (عابدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۲۳).

اهداف آمریکا در عراق، تهاجمی بوده و حمله به عراق، به‌منظور برهم‌زدن وضع موجود و سرنگونی منابع قدرت و حاکمیت عراق و سپس ایجاد دولت جایگزین و همراه با منافع و اهداف آمریکا در منطقه صورت گرفت. براین اساس، استخدام شرکت‌های نظامی و امنیتی نیز، هرچند برای ارائه خدمات پدافندی و در مرحله پس از بحران بود، اما این به‌کارگیری با اهداف تهاجمی صورت گرفت و یقیناً، جایی که آمریکا خط مشی را تعیین می‌کند، استخدام پیمانکاران نیز برای اهداف تهاجمی است (گروسمن^۱، ۲۰۱۹).

درواقع، این شرکت‌ها با فعالیت در حوزه‌های آموزش و مشاوره، حفاظت، اطلاعات، پشتیبانی و بازسازی، مزایایی را برای دولت ایالات متحده آمریکا در وضعیت شکننده پس از بحران اشغال عراق ایجاد کردند که در کنار تأمین منافع اقتصادی و انرژی آمریکا در عراق، مهمترین آن تسهیل استمرار حضور آمریکا در عراق و نفوذ آن در ساختارهای، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی عراق بود. این شرکت‌ها در پوششی صلح‌طلبانه، کلیدی‌ترین و مهمترین نقاط بحران را در عراق تحت کنترل و نظارت خود گرفتند. از جمله این موارد، نفوذ این شرکت‌ها در زندان ابوغریب است که محل کنترل جنگجویانی است که در صورت رهایی حتی می‌توانند خارج از عراق منافع آمریکا را هدف قرار دهند. همچنین فرودگاه بین‌المللی بغداد که محل تردد بسیاری از مقامات و دیپلمات‌های کشورهای مختلف جهان و همچنین انتقال بسته‌های دیپلماتیک اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده کشورهاست، بی‌شک، از سوی شرکت‌های نظامی و امنیتی مورد بازرسی و فیلم‌برداری قرار می‌گیرد (درخشه و جعفری هرنیدی، ۱۳۹۵: ۱۷۳-۱۷۵). یکی از شرکت‌های نظامی و امنیتی در فرودگاه بغداد، شرکت جی.۴.اس^۲ انگلیسی است که امور امنیتی این فرودگاه را برعهده گرفته است. این شرکت براساس نظر کمیته تحقیق وزارت کشور عراق، به دخالت در ترور سردار شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس و همراهان شهیدشان متهم شده است و براساس شواهد موجود، اعضای این شرکت، مأموریت رصد حرکت ایشان را برعهده داشته‌اند (مورنینگ‌استار آن‌لاین^۳، ۲۰۲۰).

1. Grossman
2. Group 4 Securicor
3. Morningstaronline

براساس مطالب فوق و با فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق، میزان مداخله آمریکا افزایش یافته و توانایی‌ها و امکانات رزمی شرکت‌ها نیز موجب نظامی شدن مداخله ایالات متحده در عراق و در نتیجه افزایش شدت بحران شده است. اما این مؤلفه تنها مؤلفه تحت تأثیر حضور و فعالیت این کنشگران نیست؛ بلکه مولفه‌های دیگر نیز هم به واسطه افزایش مداخله آمریکا و هم به طور مستقیم از این موضوع تأثیر می‌پذیرند.

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی بر میزان خشونت در بحران عراق

دومین شاخص تأثیرپذیر از شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق، میزان خشونت این بحران است. میزان خشونت در بحران عراق که متأثر از نوع و میزان مداخله آمریکا در عراق نیز می‌باشد؛ با فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی افزایش می‌یابد. این نیروها با ارائه خدمات خود به کنشگران حاضر در بحران، مهارت‌ها و توانایی‌های رزمی، توانایی نیروها برای تحمیل خسارت به دشمن (افزایش توانایی جنگ) و همچنین، توانایی دولت برای گسترش عملیات نظامی (عملیات‌های گسترده) و در نتیجه شدت درگیری را به میزان قابل توجهی افزایش می‌دهند (پترسون، ۲۰۱۵: ۵-۴). همچنین حضور شرکت‌های نظامی و امنیتی و دامنه فعالیت آنها در حوزه‌های مختلف موجب تیره شدن مرز بین نظامیان و غیرنظامیان و عواقب خطرناک ناشی از آن می‌شود (ولف، ۲۰۰۵: ۴۲). آمارهای کشته‌شدگان و جنایات رخ داده در عراق توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی کاملاً گویای تأثیر آنها بر افزایش خشونت در عراق است. همچنین تعداد کشته‌شدگان پرسنل خود این شرکت‌ها نیز میزان بالای خشونت را نشان می‌دهد. این نیروها در حمله به کاروان یا وسیله نقلیه، مواد منفجره، اعدام، مین، نارنجک، حمله قلبی، تصادفات جاده‌ای، خودروی بمب‌گذاری شده، سرنگونی هلیکوپتر، کمر بند انتحاری و گلوله خمپاره در عراق کشته می‌شوند (آرنپریستر، ۲۰۱۷: ۹۶۱۰-۱۲، ۷-۱۲؛ جکین، ۲۰۱۰: ۲۷). برخی منابع غیررسمی اعلام کرده‌اند که ۱۲۹۲ کشته و ۹۶۱۰ زخمی از پیمانکاران خصوصی در عراق و افغانستان وجود داشته است. منبع دیگری حاکی از آن است که بیش از ۹۰۰ نفر از نیروهای خصوصی امنیتی در پایان سال ۲۰۰۷ جان خود را از دست

1. Petersohn
2. Wulf
3. Arnpriester
4. Jacquin

داده‌اند (برنز^۱، ۲۰۱۱: ۳). وزارت کار ایالات متحده نیز اعلام کرد که طی چهار سال اول جنگ عراق، ۹۱۷ کشته و ۱۰۵۶۹ نفر از پیمانکاران خصوصی زخمی شده‌اند و تعداد کشته‌ها تا ژوئن ۲۰۱۰ به ۴۸۷۱ نفر افزایش یافت (بجسکی، ۲۰۱۴: ۱۲-۱۱).

در میان شرکت‌های حاضر در عراق، جنایات شرکت بلک‌واتر بیشتر از سایر شرکت‌ها بوده است. طبق اعلام بلک‌واتر، نیروهای آنها در بیش از ۸۰ درصد تیراندازی‌ها، اولین گلوله‌ها را شلیک کرده‌اند. براساس گزارشی دیگر، بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹، پرسنل امنیتی بلک‌واتر در حداقل ۴۲۸ حادثه خشونت‌آمیز شرکت داشتند، یعنی حوادثی که خشونت توسط آنها و/یا علیه آنها استفاده شده بود، در حالی که هم‌تایان آنها در داین کورپ در ۷۸ حادثه خشونت‌آمیز شرکت داشتند (فیتزسیمون^۲، ۲۰۱۶: ۱). می‌توان اذعان کرد که تاکتیک‌های قوی‌تر بلک‌واتر اساساً به این معنی است که آنها کشته‌های غیرنظامی عراقی را به‌عنوان بهایی تضمین امنیت مدیران خود می‌پذیرند.

پرسنل بلک‌واتر وظیفه حفاظت از منفورترین افراد از جمله پل برمر، سفرای ایالات متحده و سایر کارمندان وزارت امور خارجه را برعهده داشتند. سرویس مخفی ایالات متحده که مأموریت برمر را (با توجه به وضعیت برمر و جایزه ۴۵ میلیون دلاری برای سر او)، خطرناک تشخیص داد، به بلک‌واتر مجوز داد قرارداد بدون مناقصه "منبع انحصاری" را بپذیرد. قرارداد ۲۷,۷ میلیون دلاری که مستلزم یک گروه محافظت شخصی برای برمر با دو هلیکوپتر بود؛ گسترش یافت و شامل وسایل نقلیه زرهی^۳، تیم‌های کا.۹^۴ و یک هواپیمای سی.ای.اس.ای ۲۱۲^۵ شد. در این مأموریت، بلک‌واتر حالت تهاجمی را برای محافظت از او اتخاذ کرد؛ به طوری که، عراقی‌ها را از جاده خارج می‌کرد و همواره با زور یک محیط دفاعی را ایجاد کرد. تاکتیک‌های آنها مانع از نزدیک شدن تهدیدها به برمر شد، اما در عوض، افکار عمومی عراق را نیز علیه شرکت‌های نظامی و امنیتی معطوف کرد (اوبرایان، ۲۰۰۸: ۴۲-۴۱). رایان کراکر، سفیر ایالات متحده در عراق نیز توسط نیروهای این شرکت محافظت شدند که با رضایت او همراه بود. جورج دبلیو بوش نیز در

1. Burns
2. Fitzsimmons
3. Armored Vehicles
4. K-9 teams
5. CASA-212 airplane

این زمینه اظهار داشت که «بلک واتر خدمات ارزشمندی ارائه می‌دهد. آنها از جان مردم محافظت می‌کنند و من از فداکاری و خدماتی که کارمندان بلک واتر انجام داده‌اند قدردانی می‌کنم» (فیتزسیمون، ۲۰۱۶: ۳).

مشارکت شرکت داین کورپ در تجارت غیرقانونی سلاح و قاچاق زنان (زابکی، ۲۰۰۷: ۶)، کشته شدن یک مرد غیرمسلح عراقی را در کنار جاده در الحله^۱ در ژوئن ۲۰۰۵، کشته شدن ۱۷ عراقی در میدان نیسور بغداد توسط نیروهای بلک واتر (اوبرایان، ۲۰۰۸: ۴۳)، استخدام شرکت‌های سی.ای.سی.آی^۲ و تیتان^۳ در زندان ابوغریب برای انجام کارهای غیرقانونی همچون بازجویی از اسیران جنگی و تجاوز به آنها در زندان بدنام ابوغریب، تجاوز جنسی به نوجوانان و غیرنظامیان و کشتن آنها با سواستفاده سربازان از قدرت خود از جمله جنایات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در عراق هستند که بخشی از آنها آن توسط روزنامه‌نگار مشهور سیمور هرش^۴ فاش شد (محبوب، ۲۰۱۷: ۴۶-۴۶؛ بجزسکی، ۲۰۱۴: ۱۶). همچنین کشته شدن سه نگهبان عراقی و دو افغانی توسط بلک واتر، زخمی شدن سه فرد غیرنظامی در اکتبر ۲۰۰۷ در کرکوک و مرگ یک سرباز آمریکایی در سال ۲۰۰۵ توسط شرکت ارینیس^۵، کشته شدن یک راننده عراقی در نوامبر ۲۰۰۷ توسط شرکت داین کورپ، و قتل دو زن عراقی در اکتبر ۲۰۰۷ توسط شرکت یو.آر.جی^۶ نیز از نمونه فعالیت‌های غیرقانونی و مرگبار شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی هستند (گروه کاری سازمان ملل درخصوص استفاده از مزدوران^۷، ۲۰۱۰: ۲۶). یکی دیگر از کارهای غیرقانونی که از مشارکت این شرکت‌ها در عراق دنبال می‌شود، حملاتی است که به اماکن مقدس اسلامی در عراق (از جمله تخریب حرمین شریفین و نظایر آنها) صورت می‌گیرد که آمریکا سعی می‌کند از طریق این شرکت‌ها، منسوب کردن عملیات چندمذهبی و ضداسلامی را از خود سلب کند (درخشه و جعفری هرندی، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۵).

1. Al-Hillah
2. CACI
3. Titan
4. Seymour Hersh
5. ERINYS
6. Unity Resources Group
7. UN Working Group on the Use of Mercenaries

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر عدم تجانس در بحران عراق

شرکت‌های نظامی و امنیتی با ارائه خدمات مختلف به یکی از طرفین جنگ یا حامیان آنها، به عاملی برای برهم خوردن تجانس و طراز جنگ‌ها تبدیل شده‌اند. در واقع، این شرکت‌ها در عملیات‌های آفندی در درگیری‌ها و جنگ‌ها، به‌عنوان نیروافزا عمل کرده و توانایی‌های نظامی مشتریان خود را از نظر استراتژیکی، تاکتیکی یا عملیاتی به‌میزان قابل توجهی افزایش می‌دهند. این افزایش توانایی موجب افزایش عدم تجانس در بحران شده و جنگی ناهم‌طراز به‌وقوع می‌پیوندد. در جنگ عراق نیز این نیروها از طریق افزایش توانمندی و قابلیت‌های نظامی آمریکا موجب افزایش عدم تجانس در بحران شدند که از جمله این اثرگذاری، در خدماتی همچون پشتیبانی لشکر چهارم پیاده نظام با فناوری سنگین ارتش آمریکا توسط نیروهای خصوصی در سال ۲۰۰۳ در عراق قابل فهم است. البته این تأثیرگذاری در دوره درگیری و جنگ بیشتر مشهود است و در دوره پس از جنگ، شاخص عدم تجانس از شرکت‌های نظامی و امنیتی به‌واسطه مداخله آمریکا افزایش می‌یابد.

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر موضوعات و مسائل بحران عراق

شرکت‌های نظامی و امنیتی با فعالیت‌های مسلحانه و اقدامات آفندی موجب شدند که نظامی‌گری در بحران عراق افزایش یابد و در نتیجه در دوره پس از جنگ نیز مسئله نظامی و امنیتی جزو مسائل اصلی بحران باقی بماند. با وجود اینکه فعالیت این شرکت‌ها، اغلب در حوزه حفاظتی مورد توجه قرار گرفته و رامسفلد^۱ وزیر دفاع آمریکا نیز بر پدافندی بودن خدمات اذعان کرده‌اند و حتی خود شرکت‌ها نیز درگیری در عملیات‌های نظامی استراتژیک یا آفندی را انکار می‌کنند، اما اقدامات مسلحانه و خشونت‌آمیز این نیروها در عراق قابل کتمان نیست (بجسکی، ۲۰۱۴: ۱۸-۱۷). اغلب شرکت‌ها از به‌کارگیری عنوان نظامی برای خود امتناع کرده و صرفاً از عنوان امنیتی و یا عناوین مشابه استفاده می‌کنند. در این راستا، برخی از شرکت‌ها که فعالیت‌های غیرقانونی نیز داشته‌اند، فارغ از این که چه نوع خدماتی را باید ارائه دهند یا مشتریان اصلی آنها چه خدماتی از

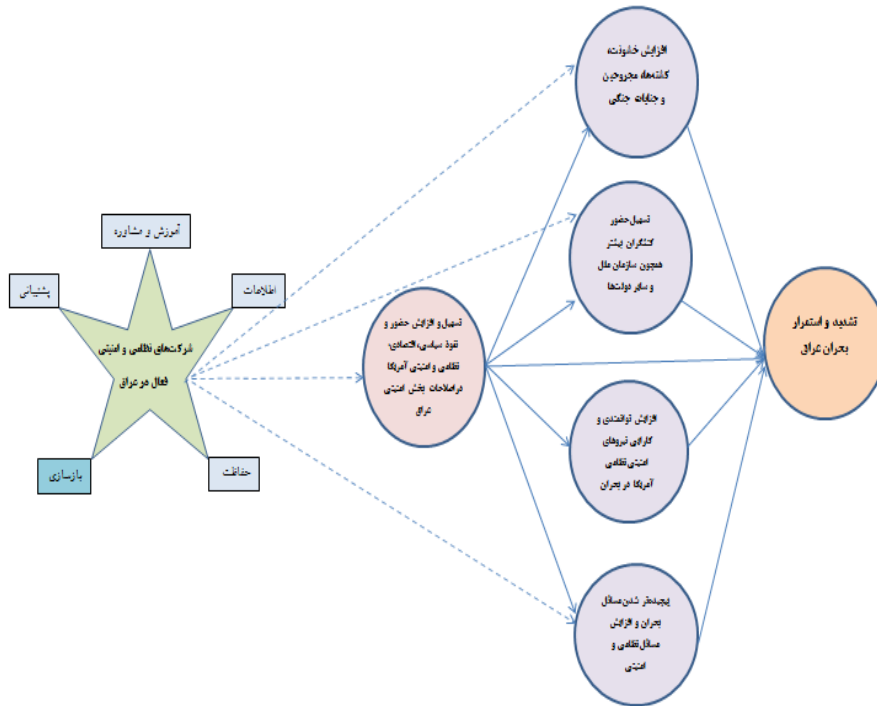
1. Donald Rumsfeld

این نیروها درخواست می‌کنند، به بازسازی ظاهر خود اقدام کرده و با حذف واژه "نظامی"، از عنوان "امنیتی" برای سرپوش گذاشتن به اقدامات غیرقانونی خود استفاده می‌کنند. مشتریان و خود شرکت‌ها ترجیح می‌دهند از عناوینی چون "شرکت‌های امنیتی خصوصی" یا "شرکت‌های مدیریت ریسک"، "مشاوره‌های ریسک"^۲، یا حتی بهتر از این‌ها، بدون هیچ‌گونه عنوان یا دسته‌بندی استفاده کنند (اوستسن و باکول^۳، ۲۰۱۸: ۹). با این حال، فقط در دو سال اشغال عراق، بلک‌واتر یا اکس.ای^۴ دست کم در ۱۹۵ آتش‌افروزی درگیر شد و پرسنل این شرکت در ۸۴ درصد موارد، اولین گلوله‌ها را شلیک می‌کردند (بجسکی، ۲۰۱۴: ۱۸-۱۷). بنابراین می‌توان استدلال کرد که فعالیت‌های مسلحانه شرکت‌های نظامی و امنیتی در عراق موجب پیچیده‌تر و نظامی شدن مسائل و موضوعات بحران شده و شدت آن را افزایش می‌دهند.

تأثیر شرکت‌های نظامی و امنیتی بر تعداد کنشگران بحران عراق

علاوه بر اینکه تسهیل مداخله و نفوذ ایالات متحده موجب افزایش تعداد کنشگران در عراق شد، استفاده سایر دولت‌ها و سازمان‌ها نیز از این شرکت‌ها، زمینه حضور کنشگران بیشتر در بحران عراق را فراهم کرد. استفاده سازمان ملل متحد از این نیروها به‌عنوان دومین مشتری مهم شرکت‌های نظامی و امنیتی حاضر در عراق، و همچنین سایر دولت‌های متحد آمریکا همچون انگلیس (دومین دولت استخدام‌کننده شرکت‌ها در عراق، پس از آمریکا) نشان‌دهنده آن است که شرکت‌های نظامی و امنیتی با تسهیل حضور کنشگران بیشتر در بحران عراق، موجب تشدید این بحران شدند. به‌عنوان نمونه، گفته می‌شود که برای حمایت از مقامات ارشد سازمان ملل در عراق، دو شرکت ایجیس و گلوبال ریسک از کشورهای عضو این سازمان پول دریافت کرده‌اند (اوستسن، ۲۰۱۱: ۱۵).

1. Risk Management Companies
 2. Risk Consultancies
 3. Østensen, Bukkvoll
 4. XE



شکل ۴. الگوی نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی در بحران عراق

نتیجه‌گیری

بررسی و تشریح بحران عراق و نقش شرکت‌های نظامی و امنیتی حاضر در مرحله بعد از اشغال عراق در چارچوب نظریه بحران برچر، مؤید آن است که دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ در بحران‌های بین‌المللی از شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی به‌عنوان ابزار و وسیله رسیدن به منافع و حداکثرسازی قدرت به‌ویژه قدرت نظامی استفاده می‌کنند. بر این اساس، شرکت‌های نظامی و امنیتی قادر به اقدام و ایفای نقش مستقل در بحران‌های بین‌المللی نبوده و در چارچوب روابط بین دولت‌ها، به‌خصوص قدرت‌های بزرگ و در راستای منافع و بیشینه‌سازی قدرت آنها عمل می‌کنند. این بازیگران تأثیر تعیین‌کننده مستقیمی بر نظام نداشته و اهمیت آنها یا نشأت گرفته از دولت‌ها است یا به‌واسطه میزان تأثیری است که می‌توانند بر سیاست‌ها و رفتار دولت‌ها وارد سازند. حتی اگر آنها بتوانند به‌تنهایی فرماندهی نیروهای حاضر در صحنه بحران را برعهده بگیرند،

انجام این کارها به تمایل دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ وابسته است و اگر دولت‌های درگیر بحران و بازیگران مهم نظام بین‌الملل بزرگ به مداخله در بحران‌ها تمایل نداشته باشند، این بازیگران قادر به اقدام مؤثر نیستند. این کنشگران از طریق ارائه خدمات پدافندی در عملیات‌های صلح‌سازی و اصلاحات بخش امنیتی عراق در پنج حوزه بازسازی، حفاظتی، پشتیبانی، اطلاعات و آموزش و مشاوره موجب تسهیل و فراهم کردن شرایط لازم برای ادامه حضور و نفوذ نظامی و امنیتی آمریکا در عراق شده‌اند که این امر به معنی مثبت بودن نقش آنها در بحران عراق نبوده است؛ چراکه برخلاف پدافندی بودن نوع خدمات، اهداف واقعی این خدمات در راستای اهداف مشتریانشان یعنی سرنگونی دولت عراق و نفوذ در ساختارهای نظامی و امنیتی آن به‌منظور ایجاد ساختاری جدید و همسو با منافع آمریکا در عراق بوده است. شرکت‌های نظامی و امنیتی با استفاده از زور و خشونت و از طریق دور زدن قوانین ملی و بین‌المللی محدودکننده ایالات متحده برای مداخله نظامی در بحران، ایجاد زمینه فرار و عدم پاسخگویی درمقابل جنایات جنگی، مهار واکنش‌های افکار عمومی به هزینه‌ها و تلفات جنگ عراق و کاهش هزینه‌های اقتصادی جنگ و کسب منفعت اقتصادی موجب افزایش و تسهیل نفوذ آمریکا در عراق و در نتیجه موجب تشدید و پیچیده‌تر شدن بحران شدند. همچنین با توجه به ارتباط مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران‌های بین‌المللی با سایر شاخص‌های شدت بحران می‌توان استدلال کرد که این نیروها علاوه بر تسهیل مداخله آمریکا در مرحله پس از اشغال نظامی عراق، موجب افزایش جنایات و آمار کشته‌ها و مجروحین، از بین رفتن تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان و نقض گسترده قوانین و در نتیجه موجب افزایش خشونت در عراق شده‌اند. افزایش تعداد کنشگران حاضر در بحران از طریق ایجاد زمینه و تسهیل حضور آنها نیز پیامد دیگری است که با فعالیت این نیروها در عراق اتفاق افتاده است. از سویی دیگر این شرکت‌ها از طریق افزایش توانایی نظامی مشتریان خود در عراق علی‌الخصوص نیروهای آمریکایی، موجب افزایش عدم تجانس (وجود طرف‌های متخاصم ناهمگون) در بحران شده و با استفاده از زور و انجام عملیات‌های نظامی و مرگبار، پیچیده‌تر شدن و نظامی و امنیتی شدن مسائل و موضوعات بحران را موجب شده‌اند.

فهرست منابع

- برچر، مایکل (۱۳۸۲). "بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها" (جلد اول)، ترجمه فردین قریشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران
- برچر، مایکل (۱۳۸۲). "بحران در سیاست جهان: یافته‌ها و مطالعات موردی" (جلد دوم)، ترجمه حیدرعلی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم، تهران
- خلیلی، حسین (بهار ۱۳۸۷). "تصاعد بحران امنیتی در دوران عملیات پیشدستانه در عراق"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۶۹-۳۹
- درخشه، جلال و امیررضا جعفری هرنندی (زمستان ۱۳۹۵). "شیوه‌های نفوذ نظامی امنیتی آمریکا در عراق"، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۹، شماره پیاپی ۴۹، صص ۱۸۶-۱۵۷
- صادقی، سیدشمس‌الدین و احمد رحیمی (زمستان ۱۳۹۴). "مجتمع‌های نظامی - صنعتی و امنیت ملی آمریکا در دوره پسا یازدهم سپتامبر"، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم
- عابدی، محمد، نوذر شفیعی و محمدرضا دهشیری (بهار و تابستان ۱۴۰۰). "الگوی رفتاری ایالات متحده آمریکا در مدیریت بحران‌های بین‌المللی"، دوفصلنامه علمی دانش سیاسی، سال هفدهم، شماره اول (پیاپی ۳۳)، صص ۲۱۵-۲۴۲
- عمرانی ابودر، آریز نژاد، محمدجعفر و علی اصغر داوودی (تابستان ۱۴۰۰). "بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و آمریکا در عراق (مورد مطالعه: نظریه واقع‌گرایی تهاجمی)"، نشریه دانش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۷۳+۵۳
- متقی، ابراهیم، بقایی، خرم و میثم رحیمی (پاییز ۱۳۸۹). "بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (براساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی)"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره چهارم، صص ۱-۲۶
- مرادی، جهانبخش و نصرت‌الله، حیدری (۱۴۰۱). "بررسی عوامل ناامنی در عراق براساس مدل هاگت و تأثیر آن بر روابط با ایران"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۰، صص ۳۵-۵۴
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی (اردیبهشت ۱۳۸۷). "تأثیر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر الگوهای تعامل جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه"، شماره مسلسل ۸۹۹۲
- میرکوشش، امیر هوشنگ، نوکنده، بهادر و سیدحسین، بابایی پهنه‌کلایی (زمستان ۱۳۹۷). "نقش آمریکا در بحران سوریه با تأکید بر مدل مدیریت بحران مایکل برچر"، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۷، صص ۴۹-۷۶

Abrahamsen, R., & Williams, M. C. (2006). Security sector reform: bringing the private in: Analysis. *Conflict, Security & Development*, 6(1), 1-23.

- Armpriester, N. (2016). Combating Impunity: The Private Military Industry, Human Rights, and The Legal Gap. *U. Pa. J. Int'l L.*, 38, 1189.
- Avant, D. (2004). The privatization of security and change in the control of force. *International studies perspectives*, 5(2), 153-157.
- Bakradze, D. Analysis of the Different Models of Peace Support Operations and Forms of NATO Involvement, as a Part of a New Security Architecture.
- Baum, J. A., & McGahan, A. M. (2009). Outsourcing war: The evolution of the private military industry after the Cold War. Rotman School of Management, University of Toronto, *Available at SSRN 1496498*.
- Bejesky, R. (2014). The economics of the will to fight: Public choice in the use of private contractors in Iraq. *Cumb. L. Rev.*, 45, 1.
- Berndtsson, J. (2009). **The privatisation of security and state control of force: Changes, challenges and the case of Iraq**. School of Global Studies, Peace and Development Research; Institutionen för globala studier, freds-och utvecklingsforskning.
- Beutel, M. D. (2005). **Private Military Companies: Their Emergence, Importance, and A Call for Global Regulation**, Norwich University
- Branović, Ž. (2011). **The privatisation of security in failing states: A quantitative assessment**. Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces.
- Brecher, M (2017). Arab-Israel Perceptions. **Dynamics of the Arab-Israel Conflict: Past and Present: Intellectual Odyssey II**, 35-42.
- Bures, O. (2005). Private military companies: A second best peacekeeping option? *International peacekeeping*, 12(4), 533-546.
- Burns, A. M. (2011). **La Sous-Traitance D'Activites Militaires Par L'Etat au Securite Prive : Une Entorse aux Regles du Droit International Humanitaire ?**, Mémoire pour l'obtention du grade de Maître en droit, Quebec, l'Université Laval
- Christiansen, S. K. (2010). Private military and Security Companies and the lack of national legislation. *Hired help or the way to the future*. **Aalborg University**.
- Cotton, S. K., Petersohn, U., Dunigan, M., Burkhart, Q., Zander-Cotugno, M., O'Connell, E., & Webber, M. (2010). **Hired guns: Views about armed contractors in Operation Iraqi Freedom**. Santa Monica, CA: RAND.
- Elsea K Jennifer, Moshe Schwartz and Kennon H. Nakamura, September 29, 2008, Private Security Contractors in Iraq: Background, Legal Status, and Other Issues, Washington: Congressional Research Service, <https://crsreports.congress.gov>
- Fitzsimmons, S. (2015). **Private security companies during the Iraq war: military performance and the use of deadly force**. Routledge.
- Fulloon, M. (2015). Non-state actor: defining private military companies. *The Strategic Review for Southern Africa*, 37(2).
- Gross, E, D Hamilton, C Major & H Riecke (eds) (2011). Preventing Conflict, Managing Crisis. European and American Perspectives, Center for Transatlantic Relations, Washington DC, CTR
- Grossman, Erik (2019). Private Parts: The Private Sector and U.S. Peace Enforcement, in <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/private-parts-private-sector-and-us-peace-enforcement>
- Halpin, A. A. (2011). **US Government Outsourcing, the Private Military Industry, and Operation Iraqi Freedom: A Case Study in Conflict Contracting** (Doctoral dissertation, University of Kansas).
- Iran accuses G4S of involvement in Soleimani assassination (DECEMBER 31, 2020). In <https://morningstaronline.co.uk/article/w/iran-accuses-g4s-of-involvement-in-soleimani-assassination>, last visited at 2023/11/25

- Isenberg, D. (2006). **A government in search of cover: PMCs in Iraq. Market Forces: Regulating Private Military Companies,**” Institute for International Law and Justice, New York University School of Law.
- Isenberg, D. (2008). **Shadow force: Private security contractors in Iraq.** Bloomsbury Publishing USA.
- Jacquin, H. (2010). **L’Emploi des Societies Militaries Privee en Afghanistan et en Irak,** Cahier de la recherche doctrinal, Paris, Ministere de la Defense, Centre de Doctrine d’Emploi des Forces (CDEF)
- Janaby, M. G. (2015). The legal status of employees of private military/security companies participating in UN peacekeeping operations. *Nw. UJ Int'l Hum. Rts.*, 13, 82.-102
- Janaby, M. G. (2016). **The legal regime applicable to private military and security company personnel in armed conflicts.** Springer.
- Juma, L. (2011). Privatisation, human rights and security: Reflections on the Draft International Convention on regulation, oversight and monitoring of private military and security companies. *Law, Democracy & Development*, 15(1), 1-33.
- Kinsey, C. (2006). **Corporate soldiers and international security: The rise of private military companies.** Routledge.
- Krahmann, E., & Friesendorf, C. (2011). The role of private security companies (PSCs) in CSDP missions and operations.
- Lambert, R. (2008). **armée professionnelles et marché de la sécurité: Complémentarité ou Concurrence ?**, Mémoire de Master, Les Ecoles de Saint-Cyr, Coetquidan
- Leander, A. (2005). The power to construct international security: On the significance of private military companies. *Millennium*, 33(3), 803-825.
- Lindahl, J. (2015). **Understanding the American Use of Private Military Contractors,** MRes thesis, University of OSLO.
- Linti, T. (2016). UN’s Use of Private Military and Security Companies in Peacekeeping Operations: Is There a Legal Basis? *Politikon: The IAPSS Journal of Political Science*, 29, 140-152.
- Lovewine, G. (2014). **Outsourcing the Global War on Terrorism: Private military companies and American intervention in Iraq and Afghanistan.** Springer.
- Makariusová, R., & Ludvík, Z. (2012). NON-STATE MILITARY ACTORS: THE CASE OF THE 2011 LIBYAN CONFLICT. *Central European Journal of International & Security Studies*, 6.
- Mampey, L. et Mekdour, M. (2010). **La guerre en Sous – Traitance, l’urgence d’un Cadre Regulateur Pour les Sociétés Militaires et de Sécurité Privées,** Bruxelles, Rapport Du GRIP , Group de Recherche et D’Information sur la Paix et la sécurité
- Małoi, E. (2015). PRIVATE MILITARY SECURITY COMPANIES–MISSING LINK IN THE NEW IRAQI SECURITY PARADIGM? *Strategic Impact*, (58), 29-44.
- Mehboob, C (2017). Outsourcing peace. Private military and security companies. A setback to security sector reform in post conflict and transition states? MRes thesis, University of Nottingham.
- Mobley, B. W. (2004). Outsourcing post-conflict operations: Designing a system for contract management and oversight. *JOURNAL OF PUBLIC AND INTERNATIONAL AFFAIRS-PRINCETON-*, 15, 21-37.
- O'Brien, J. M. (2008). **Private military companies an assessment** (Doctoral dissertation, Monterey, California. Naval Postgraduate School).
- Ortiz, J. C. (2010). **Private armed forces and global security: A guide to the issues.** Bloomsbury Publishing USA.
- Østensen, Å. G. (2011). UN use of private military and security companies.

- Østensen, Å. G., & Bukkvoll, T. (2018). Russian use of private military and security companies-the implications for European and Norwegian Security. **FFI-rapport**.
- Palou-Loverdos, J., & Armendáriz, L. (2011). The Privatization of Warfare, Violence and Private Military & Security Companies: A factual and legal approach to human rights abuses by PMSC in Iraq. **Barcelona, Spain: Nova-Social Innovation**.
- Peters, H. M (January 31, 2020). Defense Primer: Department of Defense Contractors, Washington: Congressional Research Service, <https://crsreports.congress.gov>
- Pingeot, L. (2012, June). Dangerous partnership. In **Private Military & Security Companies at the UN. Nueva York: Global Policy Forum y Rosa-Luxemburg-Foundation eV**.
- Schwartz, M., & Swain, J. (2011). Department of Defense contractors in Afghanistan and Iraq: Background and analysis.
- Serafino, N. M., & Foreign Affairs, Defense, and Trade Division. (2003, june). Peacekeeping: Issues of US Military Involvement. Congressional Research Service, Library of Congress.
- Snukal, K., & Gilbert, E. (2015). War, law, jurisdiction, and juridical othering: private military security contractors and the Nisour Square massacre. *Environment and Planning D: Society and Space*, 33(4), 660-675.
- UN Working Group on the Use of Mercenaries (14-16 April 2010). **Activities of Private Military and Security Companies: Regulation and Oversight**, Presentation made by UN Working Group on the Use of Mercenaries to: Western European and Others Group Regional Consultation and Meetings held with other 4 Regional Groups of UN Human Rights Council, Geneva.
- Wulf, H. (2005). **Internationalizing and privatizing war and peace**. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Zabci, F. (2007). Private military companies: 'Shadow soldiers' of neo-colonialism. **Capital & Class**, 31(2), 1-10.

